

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۱ سپتمبر ۲۰۱۴

میمون بازی های «رمضان بشر دوست»، این کاسه لیس استعمار

هر آن که در دولت و حکومت مستعمراتی «افغانستان»، کرسی های بلند را در اختیار دارد، بدون شک و شبهه جاسوسان و نوکران منافع استعمار اند. «رمضان بشر دوست»، فرد گمنامی که مدعی «داکتر» بودن می باشد، مدتی را در مدرسه های رژیم آخوندی «ایران»، درس و تفروشی آموخت و سال هائی را در زیر سایه امپریالیسم «فرانسه» امید و خوابید. این اعجوبه و اعجوزه روزگاران، هیچ نوع نقشی را در دفاع از آزادی ملی، علیه روسها و نوکران داخلی اش ایفاء نکرده است. این فرد علیل و شیداء، زمانی که دهان به سخن می گشاید، دفعتاً از کلام و طرز حرف زدنش معلوم می شود که فرهنگ سخن زدن را هنوز نیاموخته است و زمانی که نامه رسمی می نویسد، غلطی های املائی، انشائی و دستوری اش به وضاحت چشمک می زند. معلوم نیست که مدرک و درجه تحصیلی «داکتر» را از کدام فاکولته و در کدام کشور اخذ داشته است؟!

استعمار جهانی، افراد گمنام و بدون گذشته های مبارزاتی را یکشنبه معروف می سازند تا در موجودیت این فرزندان ناخلف شان، پلانیها و نقشه های استعماری شان را جامه عمل بپوشانند و در استثمار شدید خلق ها و چپاول ثروت های ملی شان بپردازند؛ همانطوری که امپریالیسم جهانی، «کرزی» خاین را مشهور و به خاطر منافع استعماری شان به کار گرفت و بر مردم افغانستان تحمیل کرد و یا از «احمد شاه مسعود» خاین که هرگز برای آزادی افغانستان جنگید بل با دشمنان افغانستان سازش و معامله گری ها نمود، تا که توانست کار گرفت و استفاده کرد و بالاخره از وی «قهرمان ملی» ساخت. بناءً در اذهان میهنپرستان این سؤال خطور می کند که، چگونه یک فرد گمنام، وزیر «پلان» دولت پوشالی می شود، چطور یک فرد مجهول الهویت، خودش را کاندید «ریاست جمهوری» می کند و کی ها امکانات مالی و تبلیغاتی در اختیارش می گذارند و چگونه آزادانه در پارلمان دولت مزدور جار و جنجال های نمایشی را به راه می اندازد و مهمتر از همه با وصف این همه سرو صدایجاد کردن ها، چطور در کشوری که مافیای آدمکش، جنگسالار و هروئین سالار، حکومت می کند، ست و لغت، زنده و سالم باقی می ماند و فعالیت می کند؟ پس همان مثل معروف را به یاد ما می اندازد که: (زور کاکاست که انگور در تاک هاست)!

هموطنان احساساتی باید بدانند که «بشر دوست»، ارتباط خیلی نزدیک با باند خون آشام «محمد محقق» و دیگر «وحدتی» های جنایتکار و سگان ولایت فقیه ایران دارد، طوری که قبلاً فقیر و بینوائی، به خاطر اخذ کمک، نزدش رفته بود، وی نامه ای به «محمد محقق» می نویسد تا به برای فرد متذکره کمک مالی نماید؟!

در پکتیا، کندهار، لغمان، هرات و... حملات انتحاری سگان بویناک پنجابی ها، «طالبان»، خون فرزندان افغانستان را هر روزه می ریزاند و پنجابی های «پاکستان» در تبنای با «طالبان» منفور، علناً و به طور آشکار بر حریم کشور مان تجاوز می کنند، افغان می کشند و مدنیت و تمدن می سوزانند، حتا شاهد یک حرکت اعتراضی و احتجاج آمیز «بشردوست»، علیه پاکستان و طالبان نبودیم. از چند سال به اینطرف، «پاکستان»، روزانه به ده ها راکت و هواون بر ولایت «کنر ها»، پرتاب می نماید که باعث تخریب خانه ها و کشتن مردم می گردد و اما «بشردوست» ضد کرامت بشری، این شعبده باز ماهر و روسپی رسوای سیاسی، سکوت مرگ را اختیار کرده است؛ چرا؟

جنگ لفظی «بشردوست»، با بی سواد جاهل و آدمکش و دزد شورای نظاری، «بسم الله محمدی»، به هیچ وجه به خاطر مسائل و منافع ملی و میهنی و رفاه توده ها نبوده بلکه اختلافات عقیدتی و ملیتی بوده و بر می گردد به سگ جنگی های ۱۹۹۶-۱۹۹۲ خورشیدی کابلستان. ائتلاف «حزب وحدت» و «شورای نظار»، ائتلافی نیست که در فرجامش وحدت ملیت ها و یا به طور خلاصه وحدت میان «هزاره و پنجشیری» را ارمغان داشته باشد بل ائتلاف شکستی، نازک نارنجی، آسیب پذیر و کم بنیه ای بوده و بر مبنای منافع ملیتی و منافع بادران خارجی شان، استوار می باشد که بالاخره به سگ جنگی های خونینی می انجامد. هر زمان که روابط بادران امپریالیستی شان خراب و متشنج می گردد، نوکران نیز به جان هم می افتند. مناقشات بشردوست و محمدی، نیز ناشی از همین کشیدگی های فی ما بین بلوک های امپریالیستی می باشد که هر نوکر به ساز بادرش می جنبد و می رقصد و به همدیگر برچسب حواله می دارند.

«رمضان بشردوست»، اکتوری است که درس اکت و ادا نمودن و «هنر پیشگی» را توسط استعمار غربی بالاخص فرانسه و انگلیس و ارتجاع اسلامی، «ایران» آموخته است و بدانجهت، اکت و ادا های وطن پرستی و مردم دوستی و روشنفکری را در آورده و خوب نقش بازی می کند تا با این ترفند خابنانه، عوامفریبی نماید.

«رمضان بشردوست»، مدعی می شود که معاش دولتی اش را به فقراء کمک می کند و اما تا به حال معلوم نشده است که آن فقراء و بینوایان، واقعاً کی ها اند و در کجا زیست دارند؟!

استعمار به خاطر حفظ و گسترش منافع استعماری اش، جلادانی همچو، عیدی امین، صدام حسین، مارکوس، جنرال پینوش، نتتیا، حسن مبارک، محمد مرسی، ضیاءالحق، نوری مالکی، خمینی، یاسر عرفات، گلبدین، مسعود، ربانی، حقانی، ملا عمر، مزاری، اسامه بن لادن، ابوبکر بغدادی، و... را بالای خلق های جهان تحمیل می دارد تا در موجودیت آنان منافع آزمندانۀ استعماری شان را، با ایجاد فضای رعب و وحشت، قتل، کشتار و خونریزی، تمدن سوزی و دهشت افروزی، حفظ دارند. استعمار همچنان، گاندی، جواهر لعل نهرو، محمد علی جناح، مادر ترپسا، پاپ، دالائی لاما، کریم آغا خان، اسقف توتو در افریقای جنوبی و را بالائی خلق های شریف کشور های، تحمیل می دارد تا از طریق «مصلحت جوئی»، مبارزات «مسالمت آمیز» و استفاده از دین و مذهب به شکل لیبرالی اش و معرفی دموکراسی وارداتی تیپ غربی، منافع امپریالیستی شان را تأمین و تضمین دارند و شرایط را برای تسخیر جهان و استفاده از ثروت های ملی کشور های مختلف، آماده سازند.

«رمضان بشردوست» از نوع کتگوری دوم بوده زیرا یکشبه سمارق وار در سطح اجتماع روئید و بالاکت و ادا های «گاندی» وار و لباس پوشیدن به سبک توده های میلیونی، به فعالیت آغازید؛ این دلک فاقد ضمیر در ۱۳ سال اخیر، هیچ گونه خدمتی را برای مردم و کشور انجام نداده، تنها و تنها با شادیبازی های مسخره، خودش را مطرح و مشهور ساخته است و مصروف خدمت به منافع ارتجاع و امپریالیسم می باشد. همه می دانند که بدون موجودیت فیزیکی استعمار جهانی و زرق و برق و جلایش، (دالر) های سبز رنگ شان در افغانستان، «بشردوست» و همپالگان همدست، وطنفروش و جنایتکارش، همانند خس های بی ارزشی اند روی آب. از وی باید پرسید که، در مدتی که وزیر

پلان دولت مزدور بود با وصف سرازیر شدن میلیون ها دالر «کمک» های نقدی خارجی، برای وطن و مردمش چه پلان های عام المنفعه ای را طرح و چه پروژه هائی را برای خدمت به خلق، رفاه و آسایش خلق، به پایه اکمال رسانیده است و چه تعداد افغان ها در آن پروژه های حیاتی مصروف کار و زحمتکشی اند و اباطه و اعاشه می شوند؟

«رمضان بشر دوست»، یک فرد ملی نیست و هیچ گونه احساس برای افغان و افغانستان ندارد، تنها اکت و اداء در می آورد و بس. اگر قانونی، فہیم، برادران مسعودو ایادی آنها از قماش بسم الله محمدی و عطا محمد نور ۲۱ (بیلیون) دالر سرمایه های ملی و کمک های جهانی برای مردم افغانستان را دزدیدند و در جهت سرمایگذاری به «لندن» انتقال دادند، اگر برادران «کرزی» سرمایه های ملی و کمک های خارجی را دزدیدند و در خارج سرمایگذاری نمودند، مطمئنم که «بشر دوست»، این شارلاتان بی شرم و عوامفریب مکار، هزاران دالر را نیز دزدیده است، زیرا هیچ فرد ملی، وطنپرست و میهن دوست، به هیچ عنوان و بهانه ای به شمشیر خونچکان بیشتر از ۴۴ کشور امپریالیستی بوسه نمی زند و ذلت، شرم و ننگ نوکر و خادم بودن را نمی پذیرد بل برای آزادی وطن و مردمش از چنگال خونین اژدهای استعمار و نهنک های زرد ارتجاع مبارزه می کند.

«رمضان بشر دوست» داغ ننگ و طنفروشی را بر جبینش حک ساخت و خواری و جبونی نوکر بودن را برای امپریالیسم جهانی، با آغوش باز پذیرفت و با کثیفترین و طنفروشان و خاینان ملی در زیر یک سقف نشسته و توسط استعمار اعاشه و تمویل می گردد. مگر و طنفروشی و نوکر بودن، شاخ و دم دارد؟ چه فرقی و وجه مشترکی بین «بشر دوست» و خاینان خلقی و پرچمی وجود دارد؟ مطمئنم که فرق ماهوی وجود ندارد!

کشور اشغال نظامی شده است و نیرو های ماورای ارتجاعي تحت رهبری امپریالیسم جهانی، سرنوشت توده ها و کشور را در قبضه شان گرفته اند و در استثمار شدید مردم مشغولند. امپریالیسم اروپا از آدرس منحوس «اتحادیه اروپا» و امپریالیسم «امریکا»، سرنوشت مردم و کشور را به تمسخر گرفته و افغانستان را در چنگال خونین شان سخت محکم گرفته است، فقر، گرسنگی، بیکاری و تهیدستی بیداد می کند، سرحدات کشور بدون پاسبان است، افغانستان دارای دولت ملی نیست و بودجه دولتی که متکی بر عایدات ملی باشد، وجود ندارد و افغانستان یک کشور مصرفی و متکی به کمک های خارجی می باشد. پس «بشر دوست»، که خودش برده و اسیر و معاش خوار امپریالیسم می باشد، چگونه می تواند به توده ها خدمت کند و یا کشور را از این حالت درماندگی نجات بخشد؟

«رمضان بشر دوست» یک اکتور خاین است و به ضد منافع ملی افغانستان به نفع ارتجاع و استعمار نقش بازی می کند. نباید فریب اغواگری ها، میمونبازی ها، نمایشات مسخره و شیادی های این هرزه، روسپی سیاسی و جاسوس ایران و فرانسه را خورد، باید وی و دیگر افسار گسیختگان از قماش وی چون «بکتاش سیاوش» و.... را مردود شمرد و افساء ساخت زیرا این خاینان و نابکاران، خادمان سرمایه بوده، خود را به «مظلومی» زده اند و در لباس فرشته ها پنهان شده اند؛ این ها مضر تر و خطرناکتر از سرطان اند و جامعه را به آسانی مبتلا به مرض می سازند.